

یادداشت

نرومای جمعی

محمدآخوندپورامیری

پژوهشگرمسائل ایران

حکایت سرگشتگی ما ایرانی‌ها دقیقاً از هنگامه ورود مدرنیته به ایران آغاز می‌شود؛ از همان اوان انقلاب مشروطه که صورتی از مدرنیته را در قامتی عینی به خود دیدیم. قطعاً نمودهای افکار مدرن به پیش از انقلاب مشروطه بازمی‌گردد و اساساً تأثیر جمعیت منورالفکرها و فرنگ‌دیده‌ها، در نهضت مشروطه خود را عیان کرد. اما چرا از لفظ سرگشتگی نام می‌برم؟ آیا نسبت‌دادن آن به مدرنیته، نشانه‌ای از ذهن سنت‌گرا و تقابل با نمادهای جهان نوشده امروز است؟ آیا قرار است اساس همه تیره‌روزی‌های از گذشته تا به امروز را بر سر افکار تجددخواهانه فرود آوریم؟ ابتدا خبر و این‌گونه نخواهد بود. مراد ما از سرگشتگی نشأت‌گرفته از مدرنیته، به سابقه تاریخی در مدار اندیشه‌های آفته به خرافات، رمالی، چالپوسی و روس و انگلیس طعم تلخ شکست‌های بی‌دری را با چاشنی آرمان‌گرایی ویرانگر که در پی تجدید شکوه و عظمت امپراتوری ایران باستان یا دوران خلافت سلاطین عصر میانه بود، می‌چسبیدیم. این شکست‌ها نتیجه عدم توازن قوا در برابر ابزار نظامی دولت‌هایی بود که روزآمدکردن تجهیزات خود را به‌عنوان عنصری قوام‌بخش به ساختارهای سیاسی، نصب‌العین خود کرده بودند. دقیقاً از همین تحقیر تاریخی بود که دانستیم با طی طریق در مدار اندیشه‌های آفته به خرافات، رمالی، چالپوسی و سالوسی به آستان شاهنشاه نمی‌توان به عظمت و شوکت اعصار پیشین بازگشت. اما این تلنگر تاریخی که در ابتدا نوید روزهای خوشی را در سایه استشمام عطر اندیشه «زادی» و «عدالت» می‌داد، دیرزمانی نگذشت که سر‌آزادی‌خواهان را به سخره‌های سترگی کوباند. شکست‌های بی‌دری این بار نه در جنگ با قوای بیگانه، بلکه در نزاع حیدری-نعمتی جناح‌های رقیب، اعتدالیون و عامیون، شاه و مجلس، سنت‌گرایان و نواندیشان و… درگرفت. سه‌له‌های فیروزان این نزاع چنان زبانه کشید که لفظ مشروطه برای عده‌ای عامل بدبختی و سیه‌روزی قلمداد می‌شد. ایراد کار اساساً کجا بود؟ به نظر می‌رسد از همان ایام ورود مدرنیته به ایران، ما هیچ‌گاه نتوانستیم از پتانسیل‌های دستگاه معرفتی مغرب‌زمین، در جهت برافراشتن دستگاه معرفتی خودمان بهره‌مند شویم. درواقع دستگاه نحیف نظام اندیشگی ما در بومی‌سازی اندیشه‌های غربی، کار را به‌گونه‌ای پیش برد که منوال‌فکر ما را به این فکر فرو برد که باید «از فرق سرتا نوک با فرنگی‌مآب شویم» یا به کل پشت با نیزیم به همه دانش و سرمایه فکری مغرب‌زمین. این دوگانه تا به امروز باعث شده ما همواره در میانه «این» و «آن» سرگردان و حیران به دور خود بگردیم و همچون مجنونی هراسان، گوشه عزلت را به کنش افلاانه ترجیح دهیم.

از سوی دیگر حتی اگر رواداری معرفتی در برابر اندیشه‌های دیگران را به‌عنوان یکی از سرمایه‌های ارزشمند مغرب‌زمین پذیرفته باشیم، بی‌شمار مواردی را می‌توانیم سراغ بگیریم که حتی در محافل روشنفکری‌مان هم تحمل شنیدن نقد دیگران را به راستی و درستی نداریم. چرا ما نتوانستیم در ارائه پارادایم گفتمانی بومی خود، با بهره‌گیری از تجربه تاریخی خود و سرمایه فکری-معرفتی جهان غرب، پیروزمندانه درفش افتخار را بالا بريم؟ به باور نگارنده این سطر اگر نخواهیم همه تقصیر را به گردن یک یا دو عامل خاص اندازیم و به نوعی در دام تقلیل‌گرایی غیرواقع‌بینانه بیفتیم، باید ادعان کنیم که یکی از بحران‌های ما (چه در ساختار نظام قدرت و چه در سطح جامعه) نبود ابزارهای آگاهی‌بخش سازماندهی‌شده برای تغییر در بافتار اجتماعی-فرهنگی و سیاسی است. به بیانی دیگر، تحول بیش از آنکه امری بیرونی باشد، بارقه‌ای درونی است. این درونی‌بودن به معنای زایش اندیشه از بطن و متن ساختارهای معرفتی جامعه خواهد بود. به همین منظور در زمانی که سطحی از آگاهی‌های مؤثر در سرتاسر گستر جغرافیایی و در ساختار ذهنی قاطبه جامعه به شکلی نظام‌مند، گفتمانی و پارادایمی منزل ن‌کنند، حکایت مانند امروز باقی خواهد ماند؛ یعنی صورتی ظاهری از مظاهر تجدد را خواهیم گرفت، اما در خوی و سرشت همچنان به همان سنت مالوف پاتریمونبال گذشته وفاداریم. نتیجه آنکه راه عبور از سرگشتگی جمعی، پارادایم‌سازی با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های بومی و داخلی، در کنار عناصر مؤثر و رشددهنده پارادایم‌های جهان غرب، در جهت ارتقای سطح معرفتی، این‌همه به شکلی اصولی و نظام‌مند خواهد بود. نقش مؤثر و تاریخ‌ساز «جامعه مدنی» دقیقاً در همین نقطه تاریخی خود را عیان خواهد کرد. امروزه با شناخت اصل بحران، یکی از راه‌های درمان آن را در سایه حمایت از رشد و گسترش جامعه مدنی باید دریافت تا به شکلی مؤثر، سطح کیفی نظام فکری جامعه را به‌گونه‌ای مطلوب ارتقا داده تا در مراحل بعد، با جامعه‌ای رشدیافته روبه‌رو شویم که نقش فعلانه خود را در عرصه‌های اجتماعی-فرهنگی و سیاسی برجای گذارد. هرگز فراموش نکنیم که تغییر در ساختارهای کهن، بدون پشتوانه حمایتی از نهادهای مدنی امکان‌پذیر نخواهد بود. باید آگاه بود که «الناس علی دین ملوکهم»، به ابزاری جهت وادادی فرهنگی ما تبدیل نشود. کوتاه سخن آنکه نشانه تغییر را نه در بزم‌زدن بیکاره نظم و سامان سیاسی، بلکه در رجوع به لایه‌های زیرین جامعه باید بازیافت.

بنگلادش یکی از کشورهای پرجمعیت آسیایی با اکثریت مسلمان (۷۵ درصد) و متشکل از مردم هندومذهب، بودایی و مسیحی است و داکا، پایتخت این کشور، در چند هفته گذشته محل وقوع اعتراضات جدی مردم، عمدتاً دانشجویان و جوانان این کشور به سیاست‌های حکومت به‌ویژه قانون تبعیض‌آمیز «امتیاز سهمیه مشاغل دولتی» به خانواده‌ها و بازماندگان جنک استقلال بنگلادش (پاکستان شرقی) از پاکستان بوده است. اعتراضاتی که با سرکوب شدید پلیس و نیروهای وفادار به دولت خانم شیخ حسینه، نخست‌وزیر این کشور، روبه‌رو شد، اما با وجود چندصد کشته و زخمی، قطع اینترنت و اختلال خطوط تلفن ادامه یافت تا یکی از مهم‌ترین وقایع سیاسی امسال در این منطقه رقم بخورد. صبح روز پنجم آگوست، خبر استعفا و فرار نخست‌وزیر بنگلادش در پی شدت‌گرفتن اعتراضات و سرکوب‌نشدن اعتراضات از طرف ارتش منتشر شد. اما این پیروزی معترضان چالش مهمی را پیش‌روی آینده این کشور و تحقق صلح و دموکراسی خواهد گذاشت؛ زیرا جرقه اصلی شروع اعتراضات، اعمال سهمیه‌بندی‌هایی بود که ظاهراً با هدف حمایت از افراد آسیب‌دیده در وقایع پیشین، اما در عمل زمینه‌ای برای اعمال تبعیض میان طرفداران و مخالفان بود. پرسش بسیار مهمی که در این شرایط مطرح می‌شود، این است که چه راه‌حلی برای رسیدگی به ناعدالتی‌ها، خشونت‌ها و حقوق خانواده‌های جان‌باختگان وجود دارد، بدون آنکه دوباره منجر به تبعیض درباره دیگران و زمینه‌سازی برای ظهور دولتی غیردموکراتیک شود؟ وضعیت خاص بنگلادش از لحاظ امکان گذار مسالمت‌آمیز، پایان‌دادن به خشونت و پیشگیری از قدرت‌گرفتن گروه‌های افراطی بسیار حساس است؛ چراکه در این منطقه، از زمان جنبش استقلال‌طلبانه مردم ساکن مستعمرات شبه‌قاره هند از سال ۱۹۴۶ تا امروز که به نام کسوری مستقل شناخته می‌شود، چهار واقعه خشونت گسترده و کشتار به واسطه اختلافات قومی-مذهبی میان مسلمانان و هندوها رخ داده که موجب کشته‌شدن و آوارگی صدها هزار نفر شده است.بنابراین در این زمینه تاریخی-اجتماعی، رعایت قواعد حقوق‌بشری و اطمینان از اجرای اصول عادلانه برای گذاری مسالمت‌آمیز برای تکرار‌نشدن چرخه خشونت و تبعیض‌های مبتنی بر گرایش‌های قومی، مذهبی و سیاسی ضروری خواهد بود. اما این گذار مسالمت‌آمیز چیست و چگونه ممکن می‌شود؟ پاسخ این پرسش توجه به ارکان عدالت انتقالی است.

آشنایی با مفهوم عدالت انتقالی

عدالت انتقالی یک فرایند پیچیده، میان‌رشته‌ای و بسیار مرتبط با صلح، اصول حقوقی و عدالت‌خواهانه است که در زمان تغییرات و گذار مسالمت‌آمیز پس از خشونت و سرکوب و جنگ‌های داخلی، برای کمک به یک جامعه آسیب‌دیده برای گذار از گذشته خشونت‌آمیز خود به یک جامعه صلح‌آمیز نقش اساسی می‌یابد. این فرایند یکی از مهم‌ترین روش‌های تحقق عدالت برای قربانیان ظلم و خشونت و پایان‌دادن به مصونیت از پیگرد کیفری مقامات و مجازات‌عاملان و آمران این خشونت‌های گسترده و شدید است که در کنار کشف حقیقت و یافتن راه‌حلی برای آشتی ملی و ایجاد صلح پایدار تحقیق می‌یابد. پس از چند دهه از پایان جنگ جهانی دوم، بسیاری از مناطق جهان در پی جنبش‌های ضد استعماری، جنگ، سقوط دیکتاتوری و سرکوب، تحولات سیاسی و اجتماعی خشونت‌آمیز جدی‌ای را تجربه می‌کردند که توجه به موضوع تحقق عدالت برای قربانیان و مجازات مرتکبان افزایش یافت. شروع رشد نهال عدالت انتقالی از برگزاری دادگاه‌های خاص برای رسیدگی به جنایات مقامات و سیاست‌مداران سپس از جنگ جهانی دوم در نورنبرگ، در توکیو آغاز شد و از دهه ۱۹۹۰ میلادی توجه بیشتری را در جامعه بین‌المللی به خود جلب کرد و در مدت یک دهه در وضعیت‌های مختلف پیگیری شد و توسعه یافت. با برگزاری دادگاه‌های ویژه درباره رسیدگی به جنایات خاص ازجمله جنایت جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در وضعیت‌های یوگسلاوی (سابق) (۱۹۹۳)، رواندا (۱۹۹۴)، تیمور شرقی، سیرالئون، کامبوج، سننگال، شیلی و لبنان در دهه‌های بعد گسترش یافت. شایان توجه است که در کشور بنگلادش نیز دادگاه‌های ویژه به جنایات بین‌المللی مربوط به جنگ آزادی‌بخش بنگلادش از پاکستان در سال ۱۹۷۱ در حال برگزاری است. در پی توجه به مفهوم عدالت انتقالی، علاوه بر برگزاری دادگاه‌های کیفری، دولت‌های نوظهور و دموکراسی‌های جوان در کشورهای مختلف اقدامات دیگری را نیز برای جبران خسارت‌ها و خشونت‌های گذشته پیگیری کرده‌اند؛ برکناری مقامات دولتی و دارای مسئولیت در وقایع خشونت‌بار گذشته، پرداخت خسارت و غرامت مادی و معنوی به بازماندگان و تشکیل کمیسیون‌هایی برای کشف حقیقت در شیلی (۱۹۹۰) و آرژانتین (۱۹۸۳) و کمیسیون‌هایی برای کمک به برقراری صلح مانند کمیسیون حقیقت و آشتی در آفریقای جنوبی (۱۹۹۵-۱۹۹۸) از بارزترین این اقدامات هستند. هنگامی که کوفی عنان، دبیرکل وقت سازمان ملل، سرانجام اولین گزارش

عدالت انتقالی در بنگلادش

التیام زخم‌ها یا تشدید شکاف؟



سعیده‌مختارزاده

پژوهشگر حقوق بشر

خود را درباره عدالت انتقالی در سال ۲۰۰۴ ارائه کرد، کمیسیون‌های حقیقت قبلاً در کشورهای برده‌ام و بسیاری کشورهای دیگر در مناطق مختلف جهان تشکیل شده بودند. دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) به‌عنوان مهم‌ترین مرجع بین‌المللی رسیدگی به جنایات بین‌المللی در سال ۲۰۰۲ و دیگر دادگاه‌های موقت کار خود را آغاز کرده بودند. روند توجه به اهمیت ارکان مختلف عدالت انتقالی ادامه یافت تا اینکه در سال ۲۰۱۱، بنا بر تصمیم شورای حقوق بشر سازمان ملل، مأموریت اولین «نماینده ویژه برای ترویج حقیقت، عدالت، غرامت و تضمین عدم تکرار» برای سه سال ایجاد شد. عدالت انتقالی، امروزه به یک جزء اصلی سیاست صلح بین‌المللی و حقوق بشر تبدیل شده است.

مسیر دشوار عدالت انتقالی

عدالت انتقالی (Transitional Justice) پاسخی به گذشته است و نگاهی به آینده؛ آینده‌ای ساخته‌شده بر اساس دموکراسی و حقوق بشر. عدالت انتقالی را گاه «پیروزی عدالت» به جای «انتقام و بازتولید خشونت» می‌نامند. این فرایند که از مکانیسم‌ها و ابزارهای متعدد برای تحقق اهداف پنج‌گانه استفاده می‌کند، نقشه راه و الگویی مهم است برای ایجاد و حفظ صلح پایدار و آشتی و جامعه‌ای صلح‌آمیزتر، عادلانه‌تر و فراگیرتر که با گذشته خشونت‌آمیز خود کنار آمده و عدالت را برای قربانیان و بازماندگان خشونت‌ها محقق کرده است. اجرای این فرایند با دشواری‌های خاص خود همراه است؛ چراکه ممکن است در زمینه‌های بی‌ثبات سیاسی و اجتماعی، به نام عدالت انتقالی زمینه‌ای برای انتقام‌جویی‌های سیاسی با مخالفتان میان گروه‌هایی که در مبارزات گذشته مشارکت داشته‌اند، اعمال تبعیض‌های ناروا به گروه‌های نزدیک به قدرت و دولت جدید و نادیده‌گرفتن گروه‌های اقلیت و در حاشیه به وجود بیاید که همگی ناقضی اصول و اهداف عدالت انتقالی است. دگرگونی مسالمت‌آمیز جوامع در شرایط پس از جنک، مخاصمات مسلحانه داخلی، سقوط دیکتاتوری‌ها یا انقلاب‌ها، فرایندی طولانی و پیچیده است. تجارب چند دهه اخیر در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که اقدامات ضروری و مبتنی بر یک سری اصول و قواعد خاص برای رسیدگی به شکایات، شناسایی و کشف حقیقت و مجازات بی‌عدالتی‌های رخ‌داده در گذشته یک جامعه، در مسالمت‌آمیز بودن دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی و پایدارماندن صلح نقش اساسی دارد. لازم به ذکر است که برای یک گذار مسالمت‌آمیز، تنها پیگرد کیفری و مجازات افراد متهم به انجام نقض‌های جدی حقوق بشر و جنایات جنگی کافی نیست، بلکه توجه به جبران خسارت برای قربانیان و بازماندگان دادخواه، به‌علاوه تغییرات ساختاری و نهادی از جمله در سازمان‌های دولتی و قوانین برای تغییر زمینه‌های بروز خشونت گسترده، تبعیض و بی‌عدالتی‌های ساختاری و همچنین بازسازی اعتماد اجتماعی میان گروه‌های مختلف جامعه و میان مردم و حکومت نیز بسیار مهم است. تمام این موارد در کنار هم به ایجاد یک بنیاد مبتنی بر عدالت، دموکراسی و حقوق بشر کمک می‌کند؛ بنابراین آگاهی و مشارکت گروه‌های مختلفی در یک جامعه در حال گذار برای رسیدن به این صلح و آشتی مسالمت‌آمیز بسیار اهمیت دارد.

اهداف عدالت انتقالی

همان‌طور که ذکر شد، هدف اصلی عدالت انتقالی ایجاد یا تقویت نهادهای دموکراسی، صلح، آشتی و از بین بردن زمینه‌های خشونت و تبعیض، پایان‌دادن به بی‌کیفر ماندن مقامات سیاسی، تحقق عدالت و کشف حقیقت و عبور از وضعیت گذشته است؛ بنابراین در هر وضعیتی برای پایان‌دادن به مناقشه، پاسخ‌های متناسب با وقایع رخ‌داده و بعد از بررسی‌های حقوقی-اجتماعی انتخاب می‌شود. چنین فرایند دشوار و حساسی بر اساس اصول حقوقی و با استفاده از تجارب گذشته بر پایه مجموعه‌ای از اقدامات و به‌کارگیری ابزارهای حقوقی و غیرحقوقی در یک فاصله زمانی کوتاه گذار پس از پایان یک رژیم استبدادی یا جنگ (داخلی) اعمال می‌شود.

این مفهوم بر پایه پنج رکن یا معیار مهم شکل گرفته است: (۱) حقیقت‌جویی، (۲) رسیدگی قضائی و عادلانه،(۳) غرامت، جبران خسارت

شرق

مادی یا معنوی، (۴) اصلاحات نهادی برای تضمین از عدم تکرار و (۵) به‌خاطر‌سپاری. عدالت انتقالی با استفاده از ظرفیت‌های عدالت کیفری، عدالت ترمیمی و عدالت اجتماعی سعی دارد تا با تأکید بیشتر بر شناسایی حقیقت و به رسمیت شناختن حقوق قربانیان، نه‌تنها تحقق عدالت را هموار کند، بلکه جلوی تکرار دوباره بی‌عدالتی‌های گسترده را بگیرد. در سال‌های اخیر، رویکرد عدالت انتقالی، بیش‌ازپیش بر استفاده از یادبودها و نمادهای به‌خاطر‌سپاری برای حفظ حافظه جمعی و اجتماعی، فعالیت‌های آموزشی مانند اقدامات آموزشی موزه‌ها یا برنامه‌های درسی تاریخ متمرکز شده است، چراکه تغییر فرهنگ و آموزش در کنار اصلاح قوانین و ساختارها می‌تواند برای عبور یک جامعه از خاطرات تلخ گذشته و ساخت جامعه‌ای فراگیرتر و عدالت‌محورتر قش مهمی ایفا کند.

همچنین فعالان این حوزه برای توسعه مفهوم عدالت انتقالی فراتر از رسیدگی کیفری به جنایت‌های خاص و شدید، برای در نظر گرفتن حقوق بشر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در وظایف کمیسیون‌ها و دادگاه‌های حقیقت تلاش می‌کنند، به این امید که توجه به این حقوق یکی از عوامل مهم تضمین عدم تکرار در آینده باشد. در این فرایند، پرسش‌های مهمی از رویکرد حقوقی، اجتماعی، سیاسی و حتی روان‌شناسی مطرح می‌شود، بنابراین اهداف و بازیگران متنوعی هم دارد. اما آنچه در رویکرد عدالت انتقالی مشترک است، ارکان و اصولی است که براساس آن این پاسخ عدالت‌محورانه شکل گرفته است. عدالت انتقالی یک سفر طولانی و چالش‌برانگیز است که مستلزم مشارکت معنادار قربانیان، بازماندگان، گروه‌های جامعه مدنی و افراد مختلف و همین‌طور دست‌اندرکاران حقوقی و اداری جامعه است.

عدالت انتقالی در وضعیت کشور بنگلادش

حال که مروری بر مفهوم و ارکان عدالت انتقالی انجام شد، می‌توان نگاه دقیق‌تری به آنچه زمینه بروز اعتراضات در کشور بنگلادش بوده، داشت؛ چراکه در ظاهر تلاش‌هایی در این کشور برای استفاده از ارکان عدالت انتقالی انجام شده است، اما این مسیر به نحوی طی شده که موجب تحقق اهداف واقعی عدالت انتقالی یعنی آشتی ملی و دموکراسی نشده و اینک کشور را آستان تحولات و اعتراضات بی‌درپی کرده است. لازم به ذکر است که بنگلادش از فروردین سال ۲۰۱۰ با امضا و تصویب اساسنامه رم، عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیز هست.

همان‌طور که پیش‌تر به تشکیل دادگاه داخلی «رسیدگی به جنایات بین‌المللی در بنگلادش»، در طول جنگ آزادی‌بخش پاکستان (شرقی) اشاره شد، این دادگاه پس از روی کار آمدن حزب نخست‌وزیر مستعفی (Awami League) از سال ۲۰۰۸ و با هدف رسیدگی به جنایات رخ‌داده در طول جنگ تشکیل شد. اما در عمل از چهار دستور بازداشت موقتی که قضات این دادگاه در سال ۲۰۱۰ صادر کردند تا امروز، حتی یک کیفرخواست هم صادر نشده است.در واقع رسیدگی به ظلم‌ها و خشونت‌های رخ‌داده در گذشته یکی از وعده‌های انتخاباتی این حزب در پاسخ به مطالبه طولانی‌مدت دادخواهان و جامعه مدنی برای تحقق عدالت بود. باوجوداین بسیاری از متهمان بدون پاسخ‌گویی در پست‌های دولتی باقی ماندند، بسیاری به کشورهای دیگر گریختند و هرگز محاکمه نشدند و اعمال سهمیه‌های خاص بیشتر موجب تبعیض و نارضایتی شد تا ابزاری برای تحقق عدالت. اگرچه اقدامات محدودی درباره به‌خاطر‌سپاری قربانیان ازجمله تاسیس موزه جنگ آزادی‌بخش، تولید محتوای آموزشی و تاریخ شفاهی و… نیز انجام شد، اما فرایند عدالت انتقالی به‌طور کامل و پذیرفتنی پیگیری نشد و دموکراسی در تاریخ کوتاه بنگلادش همچنان تضعیف شد.

حال باید امید داشت که در تحول سیاسی جدید در این کشور، اقدامات جدی‌تر برای پیگیری فرایند عدالت انتقالی، به‌عنوان یک راه‌حل مهم برای پیشگیری از تکرار چرخه خشونت یا انتقام‌های کور پس از تحولات سیاسی یا از طرفی بی‌کیفر ماندن مرتکبان سرکوب شدید و گشتار معترضان باشد و زمینه‌ای برای گذاری مسالمت‌آمیز و صلح و دموکراسی پایدار در این کشور شود.

منابع:

https://www.ictj.org/sites/default/files/ICTJ-BGD-NationalTribunal-Briefing-2010-English.pdf

https://brill.com/display/book/9789004389380/BP000001.xml

https://asia-ajar.org/wp-content/uploads/2023/01/Case-Study-EN_Transitional-Justice-in-Bangladesh.pdf

https://berghof-foundation.org/work/projects/transitional-justice-hub

۷	۶	۱			
		۷			
		۹			۶
۳	۸	۲			
	۷	۵	۶	۹	۳
	۶	۸			۱
۲		۳			
		۹			۸

سودوکو سخت ۳۸۲۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۳۸۲۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌هایی بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

جدول ۴۸۴۱ طراح: بیژن گورانی

حل سودوکو ۳۸۳۴

۲	۳	۵	۶	۷	۹	۱	۸	۱
۷	۶	۹	۳	۸	۱	۲	۴	۵
۱	۴	۸	۵	۹	۳	۶	۷	۲
۸	۱	۴	۷	۳	۶	۲	۹	۵
۶	۹	۷	۱	۲	۸	۴	۵	۳
۳	۵	۲	۴	۶	۷	۱	۸	۳
۹	۷	۱	۸	۴	۵	۳	۲	۶
۴	۸	۳	۲	۵	۷	۱	۹	۶
۵	۲	۶	۹	۱	۳	۸	۷	۴

۵	۹	۳	۲	۶	۱	۸	۴	۷
۹	۷	۱	۸	۴	۵	۳	۲	۶
۱	۴	۸	۵	۹	۳	۶	۷	۲
۸	۱	۴	۷	۳	۶	۲	۹	۵
۶	۹	۷	۱	۲	۸	۴	۵	۳
۳	۵	۲	۴	۶	۷	۱	۸	۳
۹	۷	۱	۸	۴	۵	۳	۲	۶
۴	۸	۳	۲	۵	۷	۱	۹	۶
۵	۲	۶	۹	۱	۳	۸	۷	۴

حل جدول ۴۸۴۰

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱			